

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۰۸

داکتر نوراحمد خالدي

مهندسي گذار؛ راهکارهای عملی برای استقرار «ناسیونالیسم مدنی» و خروج از بحران هویت

فصل پایانی کتاب "بحران هویت نسل تاجیک در افغانستان معاصر: ریشه‌ها، روایت‌ها و پیامدها" عنوان فرعی: از «شعار دیو پشتون» تا «سقوط از آسمان کابل» نویسنده: دوکتور نوراحمد خالدي

ناشر: انجمن تاریخ افغانستان

چرخه معیوب بحران هویت

برای عبور از چرخه معیوب بحران هویت، پاتریمونالیسم قومی و تناقضات برخاسته از ناسیونالیسم قومی، نمی‌توان صرفاً به توصیه‌های اخلاقی یا شعارهای وحدت‌طلبانه اکتفا کرد. بر اساس چارچوب نظری تحقیق — به‌ویژه ضرورت گذار از ساختارهای سنتی قبیله‌ای و قومی به «ناسیونالیسم مدنی» (Civic Nationalism) و ایجاد «جامعه تصویری فراگیر» (بندیکت اندرسون) — راهکارهای عملیاتی و مشخص در سه حوزه کلیدی نظام آموزشی، رسانه‌های ملی و مدل‌های حکمرانی به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. اصلاح بنیادین نظام آموزشی و کتب درسی (پروژه «دیورداپی» و ساخت ملت تصویری)
در نظریه ساخت‌گرایی، هویت ملی یک سازه ذهنی است که از طریق نهادهای مدرن به‌ویژه آموزش و پرورش بازتولید می‌شود. نظام آموزشی افغانستان در دهه‌های گذشته، ناخواسته یا آگاهانه به کارخانه تولید «دیگری‌سازی» و روایت‌های انحصاری تبدیل شده بود. راهکارهای عملی برای اصلاح این حوزه عبارتند از:
تدوین تاریخ همه‌شمول و گرایش‌زدایی: بازنویسی کتب درسی تاریخ به گونه‌ای که هیچ قوم یا تباری به عنوان «فاتح مطلق» یا «مغلوب مطلق» تصویر نشود. تاریخ افغانستان باید به عنوان روایت زیست مشترک، رنج‌ها و دستاوردهای تمامی اقوام (پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و...) تدوین شود تا نسل جوان بداند که تمدن این سرزمین محصول خشت‌روی‌خشت گذاشتن همه ساکنان آن است.

رسمیت‌زدایی از تفوق‌طلبی‌های زبانی در مکاتب: تقویت آموزش دوزبانه (پشتو و دری) در سراسر کشور به عنوان یک فرصت فرهنگی، نه یک ابزار تحمیل. آموزش زبان‌های ملی به عنوان پل‌های ارتباطی، نه دیوارهای جدایی، و ارتقای جایگاه سایر زبان‌های بومی (ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌ی و...) در مناطق مختص به خود.
آموزش شهروندی مدرن به جای هویت‌های ایلی: گنجاندن سرفصل‌های آموزشی مستقل پیرامون «حقوق و تکالیف شهروندی»، «تساهل قومی»، و «اصول دموکراسی مبتنی بر قانون عام» در نصاب مکاتب، تا کودکان از همان ابتدا بیاموزند که تعلق ملی بر تعلق تباری تقدم دارد.

۲. اصلاح رسانه‌های ملی و پایان‌دادن به «فارسیسم افراطی» و «پشتون‌هراسی»
رسانه‌ها ابزار اصلی سرمایه‌داری چاپی و دیجیتال در شکل‌دهی به «جامعه تصویری» هستند. برای مقابله با گفتمان‌های تفرقه‌افکن (اعم از فارسیسم انحصارطلب و پشتون‌هراسی سیاسی):
تدوین منشور اخلاق رسانه‌های ملی: ایجاد یک نهاد نظارتی مستقل و حرفه‌ای (عاری از نفوذ شبکه‌های قومی و تنظیمی) برای رصد و پالایش محتوای رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و تریبون‌های رسمی تا از ترویج واژگان تحقیرآمیز، دیگرسازی و نفرت‌پراکنی قومی جلوگیری شود.

پرهیز از انحصارگرایی زبانی در رسانه‌های دولتی: رسانه ملی (رادیو تلویزیون ملی) باید بازتاب‌دهنده دقیق کثرت زبانی و فرهنگی کشور باشد و با توزیع عادلانه برنامه‌ها به زبان‌های دری و پشتو (و سایر زبان‌های محلی)، احساس تعلق همگانی را تقویت کند.

مقابله با مهندسی فرهنگی فرامرزی: آگاه‌سازی نسل جوان از پروژه‌های رسانه‌ای جهت‌دار برون‌مرزی (چه در قالب فارسیسم انحصارگر و چه سایر جریان‌های واگرا) که تلاش دارند هویت‌های محلی و ملی را در راستای منافع ژئوپلیتیک خود هضم یا تخریب کنند.

۳. اصلاح ساختار حکمرانی: گذار از «پاتریمونیالیسم قومی» به «شایسته‌سالاری مدنی» ریشه اصلی بحران‌های سیاسی و انتخاباتی در افغانستان، تبدیل دولت به «ملک شخصی و غنیمت جنگی» (پاتریمونیالیسم قومی) بوده است. برای بازگرداندن مشروعیت به ساختار سیاسی و اجرای مدل ناسیونالیسم مدنی: تأسیس نظام اداری و قضایی مستقل از قومیت: ایجاد یک کمیسیون ملی شایسته‌سالاری برای استخدام، تقرر و ارتقای کارمندان دولت بر اساس تخصص، تعهد به قانون و کفایت، نه بر اساس تمایلات سیاسی و حزبی، سفارش سران قومی، سهمیه‌بندی‌های پشت‌پرده یا وفاداری‌های شبکه‌ای.

نظام اداری دولتی باید غیر سیاسی و در خدمت مردم باشد در حالیکه پروگرامها و پالیسی‌های دولت بر سر اقتدار را اجرا مینماید.

تمرکززدایی اداری و مدیریت محلی (غیرمتمرکزسازی عادلانه): برای کاهش اضطراب سیاسی اقوام از «حذف شدن در مرکز»، پیشنهاد می‌شود انتخاباتی شدن شوراهای ولایتی، تقویت اختیارات مدیران محلی در توسعه اقتصادی و فرهنگی بومی، و توزیع عادلانه بودجه‌های ملی بر اساس شاخص‌های دموگرافیک و توسعه‌نیافتگی اجرا شود؛ مدنی‌ترین راهکار که بدون افتادن در دام فدرالیسم تجزیه‌طلبانه، حس مشارکت واقعی را ایجاد می‌کند.

نهادینه‌سازی قانون عام به جای عرف قبیله: تقویت ساختارهای عدلی و قضایی به‌گونه‌ای که هیچ مقام، رهبر تنظیمی یا متنفذ قومی نتواند بالاتر از قانون بایستد. قانون باید داور نهایی در توزیع منابع، حل منازعات و تضمین حقوق فردی و جمعی شهروندان باشد.

نتیجه‌گیری راهبردی:

جایگزینی مدل «ناسیونالیسم مدنی» به‌جای قوم‌گرایی، به معنای نادیده گرفتن تنوع قومی نیست؛ بلکه به معنای ایجاد یک چتر حقوقی و سیاسی فراگیر است که در آن، هر شهروند (فارغ از اینکه پشتون، تاجیک، هزاره یا ازبک باشد) به دلیل «انسان و شهروند بودن» از حقوق برابر برخوردار است. تا زمانی که نخبگان سیاسی و جامعه ما از منطق «ارباب‌رعیتی و سهم‌خواهی تباری» عبور نکنند و به قواعد خشک و بی‌طرف «دولت مبتنی بر قانون» تن ندهند، هیچ اصلاح ساختاری به سرانجام نخواهد رسید. گذار به ناسیونالیسم مدنی، بهای سنگینی دارد، اما تنها بلیت نجات افغانستان از گرداب فروپاشی و بحران هویت است.

فصل چهاردهم

بازخوانی بحران هویت و چشم‌انداز گذار به ملت شهروند

نتیجه‌گیری:

این پژوهش با پرسش از چرایی شکل‌گیری «بحران هویت در میان نسل جوان تاجیک» آغاز شد و کوشید تا با عبور از احساسات و روایت‌های قوم‌گرایانه، ریشه‌های ساختاری، گفت‌وگویی و سیاسی این پدیده را واکاوی کند. دستاوردهای کلیدی این تحقیق در قالب گزاره‌های تحلیل‌محور زیر قابل مرور است:

۱. اصالت هویت ملی و بطلان روایت «تحمیلی بودن»

پیوستگی تاریخی دولت: اسناد معتبر تاریخی و سفرنامه‌ها نشان می‌دهند که نام و جغرافیای سیاسی «افغانستان» به عنوان یک واحد مستقل، محصول مهندسی استعمار نبوده، بلکه ریشه در تحولات درونی سده‌ی هجدهم میلادی (از عصر هوتکیان تا دولت درانی) دارد.

هویت حقوقی «افغان»: واژه «افغان» در قانون اساسی نظام جمهوری (ماده چهارم)، نه یک برچسب قومی، بلکه شناسه حقوقی تابعیت و تعلق سرزمینی برای تمامی اقوام (پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و...) بوده است. بنابراین، انکار این هویت به بهانه‌ی قومیت، تیشه به ریشه همزیستی مشترک می‌زند.

۲. پاتریمونیالیسم قومی و تناقض نخبگان

قوم‌گرایی ایزاری: تحلیل رفتار سیاسی نخبگان تاجیک نشان می‌دهد که طرح شعارهایی نظیر «ما هنوز ملت نشده‌ایم» یا انکار هویت ملی، ریشه در واقعیت‌های جامعه‌شناختی ندارد؛ بلکه واکنشی است به از دست دادن کنترل بر انحصار منابع قدرت و ثروت در ساختار پاتریمونیالیسم قومی.

تناقض در قدرت و مخالف‌خوانی: همان نخبگانی که در دوران جمهوریت کلیدی‌ترین مناصب امنیتی و دولتی را در اختیار داشتند، پس از ناکامی در آوردگاه‌های دموکراتیک، به جای بازنگری در استراتژی‌های خود، کل مشروعیت نظام و قانون اساسی را زیر سؤال بردند.

۳. ناهماهنگی شناختی و اتوپیای «خراسان‌طلبی»

فرار از واقعیت دموگرافیک: داده‌های احصایی و نتایج چهار دوره انتخابات ریاست‌جمهوری اثبات کرد که پشتون‌ها اکثریت دموگرافیک کشور را تشکیل می‌دهند و پیروزی نامزدهای این قوم یک روند ریاضی طبیعی در نظام مبتنی بر رأی بوده است.

پناه‌بردن به سراب: نخبگان شکست‌خورده برای توجیه ناکامی‌های خود در برابر این واقعیت، به بازآفرینی یک «اتوپیای تاریخی» (خراسان‌طلبی) و پیوند زدن خود به گفتمان «فارس‌سیم فرامرزی» روی آوردند؛ رویکردی که نسل جوان را به جای مشارکت مدنی، به سوی بیگانگی و سرخوردگی هدایت کرد.

۴. روند فروپاشی و تراژدی میدان هوایی

از شعار تا بحران: پروژه‌ی «دیوزدایی از دیگری» و ترویج پشتون‌هراسی توسط تریبون‌های سیاسی، ذهنیت نسل جوان را در یک بن‌بست اگزستانسیال قرار داد.

خلا نهاده: نافرمانی‌های مدنی مدیران و تبدیل نهادهای دولتی به سنگ‌های قومی، سیستم را از درون فلج کرد. فاجعه‌ی میدان هوایی کابل در اگست ۲۰۲۱، نمود عینی جوانی بود که قربانی «ترس ساخته‌شده و وعده‌های پوچ رهبران خود» شده بود.

راهکار نهایی: عبور از قبیله و تبار به سوی «شهروندی» مسئله‌ی اصلی افغانستان نه در تضاد نژادی، بلکه در ضعف ساختارهای دموکراتیک و فرهنگ سیاسی حاکم نهفته است. برون‌رفت از این چرخه معیوب، مستلزم تحقق این اصول است:

تفکیک هویت سیاسی از هویت فرهنگی: پذیرش «افغان» به عنوان چتر حقوقی شهروندی و پاسداری از تنوع زبانی و فرهنگی (از جمله اصالت زبان دری و پشتو).

پذیرش واقعیت‌های دموکرافیک و تعهد به قانون: تن دادن به قواعد بازی دموکراتیک، شایسته‌سالاری و توزیع عادلانه فرصت‌ها.

رهایی روشنفکران از دام اسطوره‌های افراطی: بازگشت نخبگان و نسل جوان به واقعیت‌های عینی زیست‌بوم مشترک، به جای پناهمردن به توهمات ژئوپلیتیک برون‌مرزی.

سخن پایانی: بحران هویت نسل تاجیک، گواهی بر شکست پروژه قوم‌گرایی ابزاری است. این تراژدی تنها زمانی به پایان می‌رسد که جامعه و نخبگان آن بپذیرند که بقا و توسعه در این سرزمین، نه از مسیر «حذف دیگری» و نه از راه «گدایی نام از بیرون»، بلکه از گذرگاه دشوار اما رهایی‌بخش قانون عام، عدالت توزیعی و شهروندی برابر میسر خواهد شد.

[#دکتر نور احمد خالدي](#)

[#تاجیکان](#)

[#تراژیدی تاجیکان](#)

[#تاجیکان در افغانستان](#)

[#نسل تاجیک](#)

کتاب را میتوانید از لنک آتی‌امازون دریافت کنید:

<https://www.amazon.com/dp/B0H9Z268G5>

بحران هویت نسل تاجیک در افغانستان معاصر: ریشه‌ها، روایتها و پیامدها: از «شعار دیو پشتون» تا «سقوط از آسمان کابل»



[آرشیف: مطالب نشر شده نور احمد خالدي](#)